

بلداشت

تغییر شرایط فرهنگی، خوب اما ناکافی



ابوالحسن داوودی
کارگردان

اگر بخواهم در یک نگاه کلی وبی تعارف و نظر من را گفته باشم، باید این نکته را یاد آور شوم که به طور قطع از زمان روی کار آمدن دولت آقای روحانی شرایط فرهنگی نسبت به دوره گذشته بهتر شده است. اما چنین نظری به این معنا نیست که این شرایط فرهنگی بویژه در حیطه تخصصی سینما که من در آن فعالیت دارم واقعاً در شأن و اندازه سینمای ما باشد. چون سینما ظرفیت و توانی بالفعل دارد و در کنارش ظرفیت و توان بالقوه‌ای را هم داراست، که با هم قابل مقایسه نیستند. ما مشکلات زیادی را در این سی و پنج سال داشتیم. یعنی برابر با عمر انقلاب! از این جهت که قبل از انقلاب شرایط بهتری وجود داشت آن هم به این دلیل که اندازه این سینما، اندازه کوچکتری بود و اگر کمبودی وجود داشت به اندازه امروز گسترده نبود چرا که سینما در ایران قبل از انقلاب وسعت امروز را نداشت. ولی بعد از انقلاب بر اساس شرایط و ظرفیتی که بین سینماگران و دست اندرکارانش به وجود آمده، نسبت به دوران قبل بسیار گسترده‌تر و پهناتر شد ولی زیرساخت‌هایش در حد چنین پیشرفتی گسترش پیدا نکرد و به روز نشده است.

این شاید مهم‌ترین بخشی است که انتظار می‌رفت در یک برنامه

طور کلی با هر نوع آقازادگی در عرصه سینما مخالفم. سینما باید عرصه کشف استعداد باشد. باید شرایطی فراهم شود تا هر کسی به اندازه فرهنگ و استعداد و دانشی که دارد، سهم داشته باشد. بخش مهم‌تری که متأسفانه دولت آقای روحانی تقریباً به کل به آن کم توجهی داشت این بود که توان فرهنگی را در یک جامع‌آوری نکرد. دولت نتوانست به میزانی که لازم است، گروه‌های سینمایی را دور هم جمع کند. اگر سینماگران با هم متحد باشند، بیشترین توان تبلیغاتی را در همه جهان برای ایران خواهند داشت. اگر چنین رفتاری در قبال آنها صورت می‌گرفت به طور حتم در شرایط اضطراری که کشور لازم دارد می‌آمدند و یکپارچه به موضوعی واحد می‌پرداختند. البته در شرایط کنونی همچنین حسی در آنها وجود دارد، چون به شکلی ذاتی در همه آدم‌ها چنین نگاهی نسبت به میهن و مملکت وجود دارد. هر اعتقادی هم که داشته باشم وقتی احساس کنم کشورم در شرایط اضطراری قرار دارد قطعاً در آن موقعیت سعی می‌کنم از مملکت، شرایط و سیستمی که در آن زندگی می‌کنم دفاع کنم. ولی فکر می‌کنم که شاید با یک سیاست بهتر و دیپلماسی قوی‌تر در عرصه ارشاد و فرهنگ می‌توانستیم ارتباط بهتری با هنرمندان و سینماگران برقرار کنیم. در آن شرایط ممکن بود هجمه‌هایی که از بیرون اتفاق می‌افتد و با سوءنیت همراه است دیگر خیلی تأثیر نداشته باشد. با توجه به تجربه شخصی ام امیدوارم که این نوع برخورد با عرصه فرهنگ تکرار نشود. من

بلداشت

نمره قبولی دولت در فرهنگ و هنر



هاتف علیمردانی
کارگردان

مادر کشوری زندگی می‌کنیم که فرآیند و نشیب‌های زیادی دارد. دولت آقای روحانی هم با توجه به اینکه درگیر مشکلات بسیاری مثل بگرام و... بود، اما با این حال می‌توان به آن در حوزه فرهنگ نمره قبولی و نمره صددرصدی داد؛ قدم‌های زیادی برداشته شد و در صورت پیروزی در انتخابات آینده این فرصت وجود دارد تا بیشتر به مسائل فرهنگی بپردازند. من تا به حال نه ریالی از دولت پول گرفته‌ام و نه حمایت شده‌ام اما به هر حال دولت ایشان دوست داشتی است. به عنوان فیلمساز اجتماعی این رسالت را در خودم می‌بینم که وقتی مردم سرزمینم در مسیر درستی قرار گرفته‌اند، این موضوع را اعلام کنم. حالا دیگر اولویت ما نباید مسائل سیاسی باشد و امروز به آرامشی رسیده‌ایم و از بسیاری مشکلات عبور کرده‌ایم. نباید تنها سیاهی‌ها را ببینیم؛ ما خیلی چیزهای خوب را از دست داده‌ایم و قدر بسیاری از خوبی‌ها را ندانسته‌ایم. نباید به همه چیز با نگاه سیاسی بنگریم و سیاست زده باشیم. در دولت روحانی مسئولان کارآمدی سر کار آمدند. مثلاً شما نمی‌توانید به دکتر ظریف، نگاه سیاسی و جناحی داشته باشید. اینکه روحانی توانسته چنین افرادی را سر کار بیاورد مهم‌ترین ویژگی مثبت است. آقای ابوبی هم به نظرم از جمله شخصیت‌هایی است که باید حفظ شود.

رویکرد این دولت رویکرد مثبتی است و بنا بر این در چهار ساله دوم هم قطعاً در حوزه سینما می‌تواند تأثیرگذار باشد. مدیران سینمایی افرادی هستند که می‌توان براحتی با آنها گفت‌وگو کرد، از هنرمندان حمایت می‌کنند و این حمایت‌ها باعث می‌شود سینماگر احساس راحتی کند. فیلم‌های من بارها دچار میزبانی‌های شدید شده و قبل از این دولت، در دسرهای زیادی داشته‌ام و فیلم‌هایم به بخش‌های خارج از مسابقه تعیید شده است؛ اما این دولت چنین نیست و اهل تعامل است. وقتی مسأله‌ای پیش می‌آید وقت می‌گذارد و گفت‌وگو می‌کند. نماینده ما در شورای مرکزی پروانه ساخت، واقعاً کار می‌کند و با سینماگران تعامل جدی دارد و اگر هم مشکلی پیش بیاید مسائل و مشکلات را به سمت حل شدن پیش می‌برد. به عنوان مثال در مورد فیلم اخیر خودم هم چنین اتفاقی افتاد و

در فضای گفت‌وگو نقطه نظر اتمان را ارائه دادیم. جسارتی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به وجود آمده است که به نظرم باید بیشتر هم بشود.

مادر سال‌های اخیر دیده‌ایم که تمام فیلمسازانی که بدخواه مردم بوده‌اند توسط مردم پس زده شده‌اند. در سینمای ایران فیلم‌هایی ماندگار شده‌اند که دغدغه این مردم و سرزمین را داشته‌اند. بنابراین داوری را باید به مردم واگذار کرد. به همین دلیل همیشه سعی کردم قلمم به سمتی نلغزد و همواره در دل مردم و از آنها نوشته‌ام. این نشان دادن واقعیت برای مسئولان هم موهبتی است و می‌توانند مشکلات مردم و دغدغه‌هایشان را بشناسند.

در پایان به عنوان فیلمساز می‌کنم که در همه این ۴ سال فیلم ساخته است، تقاضا دارم از آنهایی که دانش، تخصص و اعتبار کافی در سینمای ایران دارند استفاده بیشتری شود تا ان شاء الله دولت بعدی در حوزه فرهنگ و هنر نمره بهتری کسب کند.



عکس: بهمن رضوی

شاهد بوده‌ام که موضوعی واحد در اغلب دولت‌ها در باره عرصه فرهنگ اتفاق افتاده و آن این بوده است که مواقعی که نزدیک انتخابات شده همه به شیوه‌ای به عرصه فرهنگ نزدیک شده‌اند و هنرمند دوست می‌شوند ولی به محض اینکه به موفقیتی رسیدند به یکباره تمام با بخش اعظمی از آن ارتباط فراموش شده یا مسئولان و دولتمردان گرفتار موضوع دیگری می‌شوند. در حالی که به نظرم این دوستان یک اصل ساده را نباید فراموش کنند و آن اینکه همین گروه فرهنگی که ممکن است بعضی وقت‌ها پر مدعا به نظر برسد و حتی گاهی وقت‌ها زیاد خواه باشد، همین‌ها کسانی هستند که اگر احساس کنند که از آنها حمایت شده و به ایشان احترام گذاشته می‌شود به این حمایت و احترام، جواب درست می‌دهند و این بشدت در بزنگاه‌ها مفید است. به نظر من دولت‌ها فارغ از اینکه اصلاح طلب یا اصولگرا باشند، همین روند را پیش گرفته‌اند ولی امیدوارم تکرار نشود و شرایط جدیدی به وجود بیاید تا این رفتاری که چند وقت مانده به انتخابات ما را خوشحال می‌کند از اینکه مورد احترام بیشتری قرار گرفته و عزیزتر شده‌ایم، بعد از انتخابات هم ادامه پیدا کند.

دراز مدت، به بنیان وریشه‌های سینما بیشتر توجه شود. البته اعتقاد ندارم که توجه نشده ولی می‌توانست بهتر باشد. می‌دانیم که در حال حاضر فعالیت‌هایی در زمینه ساخت سینماها و ساخت پردیس‌ها انجام می‌شود اما واقعیت این است که آن چیزی که مادر برابر ظرفیت بالقوه و بالفعل سینمای ایران نیاز داریم چیزی در حدود ۳۰۰۰ سینماست، اما در کشور حداکثر ۴۰۰ سینما داریم و خیلی از سینماها هستند که آنچنان تعریف سینما را ندارند و استانداردهای امروز هماهنگ نیستند و باید به روز شوند. بخش دیگر، توجه اصولی به عرصه فرهنگ است. یعنی توانی که در فرهنگ و بویژه در سینما وجود دارد پتانسل خوبی برای نشان دادن چهره یک ملت به دنیا است. این موضوع در حوزه‌های دیگر کمتر دیده می‌شود. بنابراین در چنین شرایطی و بناظر به اینکه روان پریش‌هایی مثل ترامپ و سیاستمدارانمانند او سرکار آمده‌اند، باید بیشتر به سینما توجه شود. به عقیده من باید در فرهنگ، عرصه خودی و غیر خودی که هنوز متأسفانه در سینما کم و بیش وجود دارد، برداشته شود. هنوز عده‌ای خودشان را تافته جدا بافته می‌دانند و از یک سری مواهب بهره می‌برند. من اصلاً کاری به جهت‌فکری آنها ندارم ولی به